



دادگاه متهمان کفرانس برلین - کدیور، دولت آبادی، سپانلو و افشاری

فریاد و متهم کردن تذکردهندگان به مخالفت با نظر ولی فقیه مجلس را به آشوب کشاندند. بورقانی تقاضای جلسه غیرعلنی کرد که رئیس موافق آن نبود، می رفت که ماجرا شکل جدی تری بگیرد که با پادرمیانی نبوی و خاتمی (نواب رئیس) برگشتند و این بار مهدی کروبی رضایت داد که نامه مقام رهبری در جلسه قرائت شود. اما این بار تذکر رشیدیان و فریاد شاهرخی «خفه شو بی شعور» مجلس را به هم ریخت. زدو خوردی هم شد که میانجی ها از ضربات آن بی نصیب نماندند. جلسه برآشوب که تمام شد دکتر خاتمی فاش کرد که عده ای با تصور این که نمایندگان با نظر رهبری مخالفت خواهند کرد آماده شده بودند که مجلس را به تصرف درآورند. فردا و پس فردا در مقابل مجلس تظاهراتی می شد که در آن حاضران خواستار اخراج دو نماینده ای شدند که حتی مجال شنیدن تذکرات آنها پیش نیامد. بهرحال حکم مقام رهبری با تأکید بر این که «قانون کنونی تا حدودی توانسته مانع از بروز آفت بزرگ شود و آنچه در کمیسیون مجلس

عمل لغو مصوبه ای بود که محافظه کاران در آخرین روزهای عمر مجلس پنجم به تصویب رساندند. در دستور کار خود قرار دادند. همه قرائن حکایت از آن داشت که این اصلاحیه به تصویب می رسد و شرایط حاکم بر مطبوعات به قانون قبلی (مصوب ۱۳۶۴) برمی گردد. در آغاز روزی که در میانه های مرداد برپا شد، نمایندگان در به روی خبرنگاران بستند و در جلسه غیرعلنی، رئیس مجلس از نامه مقام رهبری خبر داد که ۲۰ دقیقه قبل به دست او رسیده بود. وی به این ترتیب خروج طرح را از دستور اعلام کرد ولی پیش از آن که بحثها صورت گیرد، جلسه علنی شد. چند نماینده با استناد به آئین نامه داخلی از رئیس می پرسیدند براساس کدام ضابطه طرح را از دستور جلسه خارج کرده، مهدی کروبی با استناد به این که نامه رهبری حکم حکومتی است و نمایندگان معترض با عنوان این که همین کار می باید با رعایت ضوابط مجلس صورت پذیرد، به گفتگو افتادند که چند تن از نمایندگان جناح اقلیت با

خوانده است که این خود موجب تازه ای برای اعتراض ها و شعارها شد. در این کشمکش ها رضایی معاون سیاسی استانداری که جانباز قطع نخاعی است هم صدمه دید مهاجمان شیشه های اتومبیل و ویلچر وی را شکستند. اما ماجرا با بازگشت دکتر سروش و کدیور و خودداری آنها از سخنرانی هم پایان نگرفت بلکه خرم آباد شش روز در التهاب، ناآرامی، زدو خورد بود. در روز ششم دانشجویانی که برای شرکت در اردو به خرم آباد رفته اند بار دیگر مورد حمله قرار می گیرند و این بار شکستن شیشه ها، حمله به بانکها، آتش زدن لاستیک و بستن خیابانها اتفاق می افتد و حتی تیراندازی به سوی مأموران رخ می دهد که چهار نفر از پرسنل نیروی انتظامی مجروح می شوند، عده ای از مهاجمان فرار می کنند و عده ای دستگیر می شوند. اتوبوس دانشجویان در راه بازگشت از خرم آباد نیز در پل دختر و بروجرد مورد حمله قرار می گیرد. در این حوادث یک استوار نیروهای انتظامی هم کشته شد. ماجرای خرم آباد ابتدا در روزنامه ها و مجلس، سپس در بخشهای خبری رادیو تلویزیونهای جهان انعکاس یافت. در روزهای بعدی استانداری خرم آباد، شورای امنیت، سازمان بازرسی هریک گزارشهایی دادند. این گزارشها را گروه تازه ای از نویسندگان دستگیر شده در زندان شنیدند. احمدزیدآبادی، مسعود بهنود، ابراهیم نبوی و محمدقوچانی از نویسندگان روزنامه های تعطیل شده یکی پس از دیگری در اواسط تابستان دستگیر شدند. ابتدا خیر آن بود که در سلولهای انفرادی افتاده اند ولی پس از یک ماه به بندهای عمومی منتقل شدند. قوچانی یک ماه، نبوی ۳/۵ ماه، بهنود ۴/۵ ماه و زیدآبادی بعد از هفت ماه محاکمه و با قرار وثیقه آزاد شدند. محاکمه نبوی، بهنود و زیدآبادی علنی بود. رای دادگاه بدوی در مورد بهنود ۱۹ ماه زندان و پرداخت ۲۰ میلیون ریال جریمه اعلام شد.

چند روزی پیش از دستگیری این عده از نویسندگان، اصلاح طلبان به وعده های دوره انتخابات خود عمل کردند و اصلاح قانون مطبوعات را که در

کوتاه مدتی بعد امیرفرشاد ابراهیمی دستگیر شد، ابتدا در خانه امن و آزاد نگاه داشته می شد و بعد به زندان رفت. این زمانی بود که مأموران دکتر محسن رهامی و خانم شیرین عبادی را هم دستگیر کردند و بعد حمید مرعشی و علیرضا ساریخانی هم احضار و بازداشت شدند و ماجرای «نوارسازان شکل قطعی به خود گرفت. مجلس تازه، حتی بعد از فشار اصلاح طلبان که موجب آزادی رهامی و خانم عبادی شد از ماجرا آسان نگذشت و تقاضای تحقیق و تفحص کرد که قوه قضایی روی خوشی به آن نشان نداد. فرشاد ابراهیمی در اواسط سال با دست زدن به اعتصاب غذا خواستار آن شد که به وضعیت او رسیدگی شود، از جمله ادعاهایش این بود که چرا قاضی بدون اطلاع او اظهار داشته که این عضو سابق انصار حزب الله ۹۵ درصد اعتراقات خود را بی پایه و اساس اعلام کرده است. در حالی که محاکمه نیروهای انتظامی حمله کننده به کوی دانشگاه، همچنان مورد بحث بود حوادث خرم آباد بعد تازه ای به درگیری با دانشجویان داد. هفتمین اردوی دانشجویان دفتر تحکیم وحدت قرار بود در مرکز لرستان برپا شود. از دکتر سروش و حجت الاسلام محسن کدیور برای سخنرانی دعوت شده بود اما آنان وقتی به خرم آباد رسیدند عده ای از معترضان آماده بودند تا مانع از ورود آن دو به شهر شوند. دخالت مسئولان امنیتی استان، سروش و کدیور را مجبور به قرار گرفتن در اتاقی کرد که بلافاصله به محاصره مهاجمان درآمد. آنها که حدود ۲۰۰ نفر بودند شیشه های فرودگاه را شکستند. نیروهای انتظامی با سلاح نیمه سبک وارد صحنه شدند آنان را با زحمتی بعد از ۷ ساعت تنش به میهمانسرای استانداری بردند و چون تشخیص داده شد که سخنرانی آنها خطرناک است با اتومبیلی به تهران برگشتند. وقتی مهاجمان حمله بردند، تاج زاده معاون سیاسی وزارت کشور قصد داشت با هواپیما شهر را ترک کند، در فرودگاه ایستاد و از مسئولان امنیتی استان خواست که از سخنرانان حفاظت کنند. همانجا به گوش مهاجمان رسید که تاج زاده آنان را «فاشیست»

پیش بینی شده مشروع و به مصلحت نظام و کشور نیست» راه تصویب اصلاحیه جدید را بست. مجلس نظر رهبری را پذیرفت ولی از حملات مصون نماند. نشریاتی خاص از ابتدای کار مجلسی که اصلاح طلبان در آن اکثریت دارند با چاپ مقالات و کاریکاتورهای مجلسیان را به تجمل طلبی، بی توجهی به خواسته های معیشتی مردم، دخالت در امور قوای دیگر متهم می کنند. به گفته محسن آرمین «این مجلس از نظر آقبایان دیگر رأس امور نیست». با این همه فعال شدن کمیسیون اصل ۹۰ و بررسی شکایت مردم و مطرح کردن آنها، تقاضای تحقیق و تفحص و نطق های قبل از دستور افشاگر از جمله فعالیت های مجلس اصلاحات است. این در حالی است که احضار نمایندگان به دادگاهها چندان شدت گرفته که هیأت رئیسه یک دفتر حقوقی برای رسیدگی به احضاریه ها برپا کرده است. از سوی دیگر رد شدن چند مصوبه مهم مجلس توسط شورای نگهبان - مهمترین آنها بودجه سال ۸۰ که برای نخستین بار به چنین سرنوشتی دچار شد - پافشاری مجلسیان بر مصوبه خود و ارسال موضوع به مجمع تشخیص مصلحت، نشان داد که کار مجلس اصلاحات نیز بدان سادگی نیست که تصور می رفت و کم از دولت اصلاحات نیست.

تا سال ۷۹ به پایان برسد، سرانجام و بعد از دو سال دادگاه رسیدگی به قتل های زنجیره ای بدون حضور خانواده مقتولان و کیلان آنها آغاز شد و در پایان دو متهم اصلی (مصطفی کاظمی مشهور به موسوی قائم مقام سعید امامی و مهرداد عالیخانی به عنوان آمر به ۴ بار حبس ابد محکوم شدند، از میان دیگر متهمان ۳ تن که در قتلها مشارکت مستقیم داشتند به قصاص محکوم شدند، ۱۰ تن به حبسهای بلند و کوتاه و ۳ تن را هم دادگاه تبرئه کرد. خانواده مقتولان اعلام داشتند که چون به نحوه رسیدگی ایرادها دارند درخواست قصاص نخواهند داد و شرکتی در ماجرا نمی کنند. دادگاه برلین، احکامی ناباورتر داد. اکبر گنجی را به ۱۰ سال حبس، و ۵ سال تبعید به بشاگرد، سعید صدر را به ۱۰ سال، خلیل رستم خانی را به ۹

سال، عزت الله سبحانی را به ۴/۵ سال حبس، علی افشاری را به ۵ سال، مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی را به ۴ سال حبس تعزیری، فریبرز رئیس دانا را به ۷ ماه حبس تعزیری و شهلا شرکت را به جریمه نقدی محکوم کرد. دولت آبادی، سپانلو، جمیله کدیور، جلالی پور، منیرو روانی پور و علیرضا علوی تبار هم تبرئه شدند. صدور این احکام همه را بهت زده کرد. آلمانها با احضار سفیر ایران واکنش نشان دادند و روزنامه ای نوشت که «گرهارد شرودر» به همین جهت به ایران سفر نمی کند - خبری که چند روز بعد تکذیب شد. تنها روحانی حاضر در کنفرانس برلین، یوسفی اشکوری که به محض

وی را به شیمی درمانی کشانده است. وی که با اجازه دادگاه برای معالجه سفری به اروپای شمالی کرد ده روزی بعد باز آمد تا معالجات خود را در تهران دنبال کند.

دادگاه دیگری که یک سال بعد از انتخابات مجلس و در ارتباط با آن برپا شد، به شکایت سازمان بازرسی علیه تاج زاده معاون سیاسی وزیر کشور و مسئول انتخابات ریاست جمهوری آینده و آیت الله آزر می فرماندار تهران رسیدگی می کرد. این دادگاه با صدور حکم یک سال زندان و ۶ سال انفصال از عضویت در هیات های ناظر انتخابات و ۳۹ ماه انفصال از خدمات دولتی برای تاج زاده و ۱/۵ سال زندان و ۴۵



مصطفی تاج زاده بعد از دادگاه

ماه انفصال از خدمات دولتی و ۵ سال محرومیت از عضویت در هیات های اجرایی برای آزر می (فرماندار تهران) به کار خود پایان داد. این حکم به نظر دادگستری تهران مردم را خوشحال کرده با استقبال روزنامه ها و چهره های مشهور محافظه کار روبه رو شد که از زمان افشای شکستشان در انتخابات از تخلف های آن می گفتند. موسوی لاری وزیر کشور که در آستانه اعلام رأی دادگاه در جلسه ای در مجلس از معاون خود و عملکرد وزارت کشور در انتخابات دفاع کرده بود، چند روز بعد به تأکید قاضی معلوم شد که خود نیز متهم است و به علت روحانی بودن پرونده اش به دادگاه ویژه

بازگشت از اروپا دستگیر شد در دادگاه ویژه روحانیت به ارتداد محکوم شد که احتمال حکم اعدام را برایش در پی می آورد ولی رئیس دادگاه ویژه روحانیت با استناد به نظریه مقام رهبری به این حکم اعتراض کرد. گفته شد خطر مرگ از کنار گوش اشکوری پرید ولی همسر او در پایان سال، در نامه ای به مقام رهبری از این که دوباره شایعه اجرای همان حکم بر سر زبانها افتاده ابراز نگرانی کرد. چنگیز پهلوان، کاظم کردوانی و روشنگر داریوش، در پایان کنفرانس از بازگشت به ایران تن زدند و اعلام شد پرونده آنها مفتوح می ماند. مهرانگیز کار نیز در حالی دادگاه تجدیدنظر را انتظار می کشد که سرطان مزمن،

روحانیت فرستاده شده است. به این ترتیب و بعد از محاکمه و بازداشت غلامحسین کرباسچی و عبدالله نوری، تاج زاده سومین مهره اصلی دولت اصلاحات است که باید راهی زندان شود، در حالی که دو مهره دیگر - دکتر مهاجرانی و احمد بورقانی - با استعفای به موقع به ریاست مرکز تمدنها و نمایندگی مجلس رسیدند. کرباسچی، نوری و مهاجرانی از ابتدای این چهارسال مسورد تهاجم و توجیه بودند. کرباسچی با معاونان خود، به حبس افتاد، تعیین مجازات حبس برای تاج زاده وی را کنار رئیس سابقش، عبدالله نوری قرار می دهد. دکتر مهاجرانی و بورقانی نیز با وجود استعفا، هر دو پرونده هایی دارند که هر از گاه گفتگو درباره آن بالا می گیرد.

سالگرد ترور سعید حجاریان یکی دیگر از بازوان اصلی اصلاحات نزدیک بود که محمدخاتمی برای ارائه گزارش عملکرد چهارساله دولت خود به مجلس رفت. محافظه کاران بر این تصور بودند که او ممکن است با اشاره به مشکلات این چهارسال، انصراف خود را از شرکت در انتخابات آینده اعلام می کند. روزنامه جام جم خبر از جلسه ای پرالتهاب داده بود که عده ای از نمایندگان آماده شده اند که در صورت اعلام انصراف خاتمی آنها نیز مجلس اصلاحات را ترک گویند [استعفا بدهند]. اما هیچ یک از آن اتفاقها نیفتاد و رئیس جمهور در جلسه ای که خبرنگاران خارجی هم برای انعکاس جهانی آن گرد آمده بودند تأکید کرد که دل به مقام نبسته و ماندن به هر قیمت برایش مطرح نیست اما تا زمانی که مردم بخواهند و او تمام راهها را بسته نبیند بر عهد خود با خدا و مردم وفادار می ماند. او همه ناراضیان را هم به امیدواری دعوت کرد. سعید حجاریان که در همین زمان برای معالجه تن بی حرکت خود در خارج از کشور بود در مصاحبه ای تأکید کرد «اصلاحات صبر می خواهد. اگر قرار بود ناامید شوم، من می شدم که این همه صدمه خورده ام در حالی که از همیشه امیدوارترم».

عکس: حسن سرخیشیان، مجید سعیدی و کامران جبرئیلی